

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

[Contra-Mainstream-Blog](#)

برگردان از: حمید سعادت

فرستنده: عثمان حیدری

۲۲ دسمبر ۲۰۱۹

مارپیچ خشونت در عراق – ساخت امریکا؟



عراق روزبه روز بیشتر در هرج و مرج فرو می‌رود. اعتراضات سراسری علیه حکومت در روزهای اخیر هرچه بیشتر با حملات تروریستی همراه هستند. و چنان جلوه داده می‌شود که حکومت عراق و تهران مسؤول آن هستند. در کنار تحریک‌گران که از همان آغاز با نیروهای امنیتی عراق درگیر می‌شدند، حالا مکرراً «شبه‌نظامیان» در صحنه تظاهرات ظاهر می‌شوند و عامدانه دست به خشونت می‌زنند. این شبه‌نظامیان، که احتمالاً توسط سازمان‌های اطلاعاتی هدایت می‌شوند، باعث شده‌اند که دو هفته گذشته خونین‌ترین دوره در جریان این تظاهرات باشد. توالی وقایع خشونت‌آمیزی که در زیر می‌آیند، بسیار گویاست. در ۵ دسمبر در ضمن تظاهرات در میدان تحریر بغداد، افراد ناشناسی چندین نفر از معترضان را با چاقو به قتل رساندند.

بنا به گزارش خبرگزاری‌ها به نقل از شاهدان عینی، بلاوسطه قبل از این حمله تجمعی برگزار شده بود که با نیروهای سیاسی و شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران ابراز همبستگی کرده بود. شرکت‌کنندگان معترض از روحانی قدرتمند شیعه، آیت‌الله سیستانی، تجلیل می‌کردند و به بقیه تظاهرکنندگان حاضر در آنجا پرخاش کرده‌اند.

کمی پس از پایان تظاهرات کار به چاقوکشی دسته‌جمعی کشیده شده. خبرگزاری آسوشیتدپرس از شاهدان نقل می‌کند که عاملان همان لباس متحدالشکلی را به تن داشتند که توده معترضان که در حال پخش شدن بودند.

AP همچنین گزارش می‌دهد تظاهرکنندگان، که سعی می‌کردند ناشناس بمانند، حدس می‌زدند مهاجمان عضو شبه نظامیان مورد حمایت ایران هستند. یکی از این معترضان ناشناس می‌گوید: «آنها از تظاهرکنندگان نفرت دارند، اکثرشان هم رفته بودند. کسانی که هنوز مانده بودند به معترضان در میدان تحریر حمله کردند.» این خبرگزاری در دنباله حرف‌های این شاهد نقل می‌کند: «کسانی که این کار را کردند خارجی بودند!» در این گزارش معلوم نیست این خارجه کجاست.

دو روز بعد از این حمله دسته جمعی در میدان تحریر، در همان نزدیکی، یعنی در میدان خیلانی Khilani-Platz اتفاق خشونت‌بار و مرگبارتر دیگری صورت می‌گیرد. در وسط گردهمایی اعتراضی شبانه، ناگهان چندین خودرو نزدیک می‌شوند و مهاجمان از داخل آنها بر روی تظاهرکنندگان آتش می‌گشایند و دستکم ۲۵ نفر را به قتل می‌رسانند و ده‌ها نفر را مجروح می‌کنند.

آسوشیتدپرس خبر می‌دهد که در همین زمان، مخالفان دولت قسمت‌هایی از پل‌های جمهوری، سیناک و احر را اشغال کردند، این پل‌ها همگی به منطقه سبز که محل استقرار حکومت عراق است، منتهی می‌شوند. به گفته آسوشیتدپرس، کمی پیش از پیدا شدن آدم‌کشان، برق قطع شده بود. حمله اصلی بعد از آن و در تاریکی کامل صورت گرفته است.

در پی این کشتار اقدامات امنیتی در میدان تحریر و مناطق اطراف شدیداً حادثه شده. در این جا شبه‌نظامیان *سرایا السلام* (Saraya Salam بریگادهای صلح) که به روحانی پرنفوذ شیعه، مقتدا الصدر نزدیک‌اند، نیز حضور داشته‌اند.

گفته می‌شود بریگادهای صلح به صورت غیر مسلح همراه با نیروهای امنیتی عراق برای محافظت از تظاهرات مسالمت‌آمیز در مقابل این حملات، دورتادور مراکز پررفت‌وآمد ایست‌های بازرسی برقرار کرده‌اند. باید کسانی وجود داشته باشند که با این تحولات موافق نیستند، به خصوص که یک روز بعد از اتفاقات خونین میدان خیلانی به محل اقامت مقتدا صدر در نجف هم حمله‌ای صورت گرفت. به گزارش رسانه‌ها خانه این روحانی شیعه به کمک پهباد مورد حمله قرار گرفته. انفجار بمب تلفات جانی نداشته و فقط آسیب مختصری به بار آورده. صدر در زمان سوءقصد در محل دیگری به سر می‌برده است.

«نهضت صلح» که در مراکز متعددی در پایتخت عراق چادر زده، حالا چهره دیگری از خود نشان می‌دهد که اهداف تظاهرکنندگان را سوال‌برانگیز می‌کند. به اصطلاح، قربانی به مجرم بدل می‌شود.

در بطن شور و هیجانی که برای آزادی و زندگی بهتر تبلیغ می‌کند، در برابر چشم تمام دنیا قصاص خودسرانه کردن در مورد یک نوجوان احتمالاً اقدام مطلوبی برای جلب نظر موافق در سطح بین‌المللی نیست.

در این پنجشنبه در میدان وهبه Wahba بغداد یک حمله خونبار دیگر رخ داد که دست آخر به خشم و نفرتی کور منجر می‌شود.

به ادعای AP یک نوجوان ۱۶ ساله، که گویا خیلی هم بی‌سابقه نبوده و به اتهام جرائم مواد مخدر تحت تعقیب پولیس عراق بوده، در میدان وهبه آتش می‌گشاید و چهار معترض و دو مغازه‌دار را به قتل می‌رساند. به دنبال آن بر اثر ضرب و شتم جمعیت برآشفته جوانک کشته می‌شود.

خبرگزاری همچنین گزارش می‌دهد ویدیوهای منتشر شده چنین القاء می‌کنند که احتمالاً نیروهای امنیتی عراق عامل مرگ آن جوان بوده‌اند.

تاکنون هنوز معلوم نشده که چه کسی جوان مهاجم را به قتل رسانده، ولی آنچه بر سر جسد او آمده در ویدیوهای مختلف قابل مشاهده است. صدها تظاهرکننده خشمگین در یک لحظه به جانوران درنده‌ای مبدل می‌شوند و بر سر لاشه او می‌ریزند و با آن سوء رفتار می‌کنند.

در بخشی از ویدیو می‌شود دید که یکی از افراد جمع‌شده با چاقو گلوی مرد جوان را می‌برد، اما این کار جماعت را به اندازه کافی راضی نمی‌کند، و آنها پاهای او را می‌بندند و او را به شکلی که برای همه قابل دیدن است از یکی از تابلوهای راهنمایی آویزان می‌کنند.

این حرکت بی‌اندازه هولناک جنبش اعتراضی قابل توجیه نیست، حتی اگر جوان لینچ‌شده تظاهرکنندگان را به قتل رسانده باشد. جمعیت بعد از دستگیری‌اش بایستی او را به دست دستگاه‌های عراقی می‌داد. با این کار دستکم امکان داشت ریشه‌های آن عمل جنایت‌آمیز روشن شود و دلایل و انگیزه‌های عامل آن بررسی و کشف شود. آیا کسی آن مهاجم را اجیر کرده بود؟ یا خودش منافعی داشته، کنترلش را از دست داده یا دچار جنون لحظه‌ای شده؟ حالا همه این سوالات بی‌جواب می‌مانند، چون که سادیست‌های خشمگین میل به خونریزی داشتند و می‌خواستند آن را به عموم نشان دهند.

به گزارش آسوشیتدپرس مقتدا الصدر به دار کشیدن مرد جوان را به شدیدترین لحن محکوم کرد و عاملان آن را «تروریست» خواند. علاوه بر این، الصدر تهدید کرد که روشن نکردن زمینه‌های واقعه عواقبی در پی دارد. چنانچه عاملان در عرض ۴۸ ساعت دستگیر نشوند، او، الصدر، مجبور خواهد بود بریگادهای صلح مستقر در میدان‌های اصلی شهر را، که تظاهرکنندگان آنها را «کلاه‌آبی‌ها» می‌نامند، جمع و از محل خارج کند. آیت‌الله عظمای شیعه، علی السیستانی، هم حرف‌های مشابهی زده و از مقامات عراقی خواستار دستگیری و محاکمه عاملان واقعه شده است.

در کنار افزایش حملات به تظاهرات، اتفاقات بشدت مشکوکی در پایتخت عراق می‌افتند که علناً به قصد و انگیزه حادثه کردن وضعیت در سطح کشور صورت می‌گیرند.

در اواخر ماه نومبر سه موتر بمب‌گذاری شده در بغداد منفجر شد که ۱۲ نفر را به هلاکت رساند. در این دوشنبه گویا چهار راکت کاتیوشا به یک پایگاه نظامی در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی بغداد برخورد کرده‌اند. گفته می‌شود که واحدهای به اصطلاح ائتلاف ضد داعش به رهبری امریکا به‌طور منظم به این پایگاه رفت‌وآمد دارند. از قرار، سه‌شنبه هفته گذشته پنج راکت در قرارگاه نیروی هوایی عین‌الاسد فرود آمده‌اند، مجتمع وسیعی در غرب صحرای الانبار که عمدتاً نیروهای امریکائی در آن مستقر هستند. همچنین در ماه گذشته خبر حداقل دو حمله راکتی به منطقه سبز اعلام شده است.

همان‌طور که قبلاً گفته شد، جاروجنگالی برپا شده که گویا شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران در پشت این حملات مرموز علیه جنبش اعتراضی قرار دارند. هماهنگ با این فرضیات، که اکثراً از طرف منابعی ناشناس در جهان به راه می‌افتند، امریکائی‌ها ادعا می‌کنند سر نخ حملات راکتی به پایگاه‌های امریکا در عراق در دست ایران است.

این‌ها شدیداً این حس را برمی‌انگیزد که تلاشی صورت می‌گیرد تا، فراتر از برکناری حکومت عراق که نخست‌وزیرش عادل عبدالمهدی اخیراً استعفاء داد، اهداف معترضان به سمت معینی منحرف شوند: قطع رابطه با کل عرصه‌های

شیعی سیاست و جامعه و حوزه‌های نفوذ ایران. از این گذشته افزایش ناگهانی و بی‌مقدمه بمب‌گذاری‌ها و سوءقصد‌ها این گمان را تقویت می‌کند این حملات زیر پرچمی دروغین صورت می‌گیرند تا القاء کنند تهران مسؤول آنهاست.

خبرگزاری ایرانی پرس‌تی‌وی گزارش می‌دهد که حملات انجام شده به تجمعات و تظاهرات، خط و ربط «تروریست‌های تکفیری» را دارند. در کشتار میدان خیلانی مهاجمان یونیفرم نیروهای مسلح عراق را به تن داشته‌اند.

پرس‌تی‌وی می‌نویسد:

«بنا به گفته شاهدان عینی چند تن از مهاجمان مسلح شرکت‌کننده در بغداد یونیفرم ارتشی نیروهای دولتی به تن داشتند. این تاکتیک در گذشته مکرراً از طرف «گروه‌های تکفیری» به کار گرفته شده. به گفته این شاهدان، چند نفر از مهاجمان یونیفرم اعضای حشدالشعبی، که گروهی وفادار به دولت است، را داشته‌اند.»

علاوه بر این، پرس‌تی‌وی اعلان کرد که آمریکا بسرعت تصمیم گرفت حشد/الشعبی (نیروهای بسیج مردمی، متشکل از ۴۰ گروه، اکثراً رزمندگان شیعه و چندین گروه سنی و مسیحی) را به این حمله ارتباط بدهد. برای تأکید بیشتر، واشنگتن تحریم‌هایی علیه فرماندهان گروه‌های مختلف شیعه، از جمله عصاب اهل الحق و کتائب حزب‌الله وضع کرد.

از سوی دیگر منابع نیروهای بسیج مردمی، که مخالف اشغالگری آمریکا در عراق هستند، اشاره کرده‌اند که امریکائی‌ها دست هسته‌های محلی داعش را در منطقه انبار در غرب کشور باز گذاشته‌اند. پرس‌تی‌وی از منبعی چنین نقل می‌کند: «هواپیماهای جنگنده امریکائی مدت‌های طولانی بر فراز این منطقه پرواز می‌کنند بدون آن که حتی به یکی از هسته‌های داعش حمله کنند.» این منبع همچنین یادآور می‌شود که رفتار امریکائی‌ها «عجیب و غافلگیرکننده» بوده، با توجه به این که نیروهای امریکائی مستقر در پایگاه نظامی عین‌الاسد در انبار در واقع قرار بوده با گروه‌های داعش موجود در محل بجنگند.

خبرگزاری ایرانی با استناد به مقامات رسمی عراقی اضافه می‌کند که بهیادهای اسرائیلی و امریکائی در این اواخر چندین بار نیروهای بسیج مردمی را بمباران کرده‌اند.

حملات و آتش‌زدن‌های دائمی ساختمان‌های دولتی ایران شاهدهی است بر این که قرار است نارضایتی حاکم در جامعه عراق به سمت ایران هدایت بشود، و این تصور شکل بگیرد که چنین نارضایتی سراسری و فراگیر است. عناصری که احتمالاً توسط سازمان‌های اطلاعاتی هدایت می‌شوند در نجف در عرض یک هفته سه بار کنسولگری ایران را به آتش کشیدند.

التهاب بیش از حد وضعیت در نجف احتمالاً به این دلیل است که نجف مرکز اداره مربوط به امور شیعیان در جنوب عراق است.

خبرگزاری آسوشیتدپرس در این باره می‌نویسد حرم موجود در نجف، صحنه اصلی خشونت‌های متقابل است. بنا به گفته AP، در حال حاضر دائماً در این شهر بین معترضان و نیروهای امنیتی درگیری صورت می‌گیرد.

گفته می‌شود مدتی قبل چندین معترض در نزدیکی حرم جمع شده و از روحانی شیعه، مقتدا صدر خواسته‌اند که آنجا را بازرسی کنند، چون ظاهراً این سوءظن پیدا شده بوده که آن محل «مرکز عملیات جاسوسی ایران» است. بعد از آن سرایا السلام (بریگادهای صلح) تعدادی از معترضان و رؤسای قبایل را به داخل حرم راه دادند تا بتوانند مطمئن شوند این شایعه حقیقت ندارد. بعد از پایان بازرسی، تظاهرکنندگان به سمت کنسولگری ایران راهپیمائی کرده و در آنجا خشم و نارضایتی خود را ابراز کرده‌اند.

رواج تدریجی این روایت که ایران آشوب‌های داخل عراق را می‌شوراند، همراه با حملات اخیر، این گمان را بر می‌انگیزد که ایالات متحده برای تغییر تناسب نیروهای سیاسی به احتمال زیاد مدت‌هاست که هدایت تظاهرات ضدحکومتی جاری را در دست خود گرفته است.

این واقعیت که بعد از سقوط صدام حسین در عراق با اکثریت شیعه‌مذهب ایران قدرت می‌گیرد، امری است بدیهی. با این که مسؤول این وضعیت خود امریکائی‌ها هستند دائماً ابراز نارضایتی می‌کنند و آشکارا می‌خواهند بین سنی‌ها و شیعیان شکاف ایجاد کنند.

ایالات متحده با هجوم نظامی در سال ۲۰۰۳ به عراق و نابودی حزب بعث، باعث قدرت‌گیری شیعیان شدند و از آنجا که ایران هسته دولت شیعی است، روابط دوجانبه بین تهران و بغداد محکم‌تر و گسترده‌تر شد. چنین سیری قابل پیش‌بینی بود. ۷۰٪ جمعیت عراق شیعه‌اند و امریکائی‌ها با سرکار آوردن نوری المالکی به عنوان نخست‌وزیر عراق (۲۰۰۶-۲۰۱۴) پیش‌شرط قدرت‌گیری سیاسی شیعیان را فراهم کردند.

وقتی یک دستگاه عظیم نظامی-صنعتی با بودجه سالانه نزدیک به ۸۸ میلیارد دلار، با تمام اختاپوس‌های گوناگون سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی‌اش، در آن زمان ناتوان از این پیش‌بینی بود که یک دولت شیعی در عراق رابطه گرم و نزدیکی با ایران برقرار خواهد کرد، در این صورت باید از بی‌عرضگی و ورشکستگی کامل صحبت کرد. آیا همه آن «کارشناسان برجسته» خاورمیانه در پنتاگون خواب بودند زمانی که نقشه جنگشان را طرح می‌کردند و با اقدام به هجوم نظامی به عراق چنان خلأ قدرتی به‌وجود آوردند که گرایش‌های مذهبی آن را پر کردند؟ یا این که قضیه فقط یک محاسبه پراگماتیک بوده؟ یعنی این که امریکائی‌ها آن خط سیری از تحولات را تقویت کرده‌اند که پای ایران را به داخل عراق بکشد تا کشمکش و درگیری با ایران را که مدت‌هاست طراحی شده، شروع کنند؟ بسیاری شواهد حاکی از این‌اند.

در دوره ترمپ عناد و کینه‌توزی علیه ایران ابعاد تازه‌ای پیدا کرده. خروج از برجام و به دنبال آن برقرار کردن دوباره تحریم‌های قدیم و افزودن تحریم‌های تازه، همراه با اقدامات جاسوسی و نظامی، ظاهراً فضائی ایجاد کرده که به مردم امریکا و دیگر کشورها به طور ضمنی القاء می‌کند جنگ علیه ایران اجتناب‌ناپذیر است. دگم‌هائی مثل این که ایران «بزرگترین تأمین‌کننده مالی تروریسم در جهان» است، پشت سر هم از کلاه شعبده‌بازان خبری بیرون می‌آیند تا بر این موج تبلیغاتی دامن بزنند.

خلاصه این که قرار بر «رژیم پنج» است. برای ترمپ ایران از روز اول به عنوان دشمن محسوب می‌شد. هر رئیس جمهور امریکا یک جنگ کاملاً شخصی را به ارث می‌برد. با نگاه به میراث پنج رئیس جمهور گذشته ایالات متحده این واقعیت را به وضوح می‌توان دید.

دولت فعلی امریکا از هیچ هزینه و تلاشی برای به هرج و مرج کشاندن جمهوری اسلامی ابا ندارد. مقامات امریکائی نیروهای خود را جمع می‌کنند، اداره و شعبه و بخش‌های تازه‌ای درست می‌کنند که انحصاراً به مسائل ایران می‌پردازند. علاوه بر این‌ها، مجموعه‌های سیاسی جدیدی خلق می‌شوند. مثل انتصاب «شاهزاده سیاه، آیت‌الله مایک»، میثائیل داندری (Michael D'Andrea) به ریاست «عملیات سیاه‌ایران»، و پایه‌گذاری «گروه اکسیون ایران» که به گفته مایک پمپئو وزیر خارجه امریکا، قرار است «سیاست مقابله با ایران را هماهنگ و اجرایی کند». به عبارت دیگر قرار است برای حکومت تهران راه نفس کشیدن قطع شود.

بر این اساس، تصادفی نیست که هر جا که شیعیان در اکثریت هستند یا حضوری گسترده دارند که با همکاری با ایران ارتباط پیدا می‌کند، یا آتش جنگ شعله می‌کشد یا چنان فضای پرتشنجی حاکم است که چشم‌انداز تغییر رژیم را امکان‌پذیر می‌نماید.

لبنان، سوریه، عراق و ایران محورهای اصلی به اصطلاح «هلال شیعی» اند. خاری در چشم ائتلاف نامقدس (امریکا، عربستان سعودی، اسرائیل).

سمت و سوی ضد ایرانی ناآرامی‌ها در عراق روزبه روز روشن‌تر می‌شود. روایت بی‌مایه و کسالت‌آور مسئولیت شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران در اعمال تروریستی اخیر در عراق، ادعای امریکائی‌ها مبنی بر این که ایران عامل حملات راکتی به پایگاه‌های امریکا است، برقراری تحریم علیه نیروهای نزدیک به ایران و عملیات جاسوسان و تحریک‌گران در حمله به تأسیسات و ادارات دولتی ایران.

همه این وقایع و تحولات هدایت‌شده و هماهنگ‌شده قرار است این تصویر و تصور را ایجاد کنند که منشأ مشکلات «خودساخته و داخلی» عراق دخالت و نفوذ کشور همسایه است. این که سیا و گروه اکسیون-ایران چه اندازه در ناآرامی‌های عراق دخالت دارند فعلاً فقط می‌شود حدس و گمان زد. ولی اگر بخواهیم بر مبنای الگوی وقایع اخیر قضاوت کنیم، سهم اینها نمی‌تواند چندان ناچیز باشد.